

## مدیرکل معماری و ساختمان شهرداری تهران تأکید کرد نظارت بر روند مناسب‌سازی فضاهای شهری

مدیرکل معماری و ساختمان شهرداری تهران با تأکید بر اهمیت نظارت بر اجرای مناسب‌سازی فضاهای شهری گفت: «روند اجرای ضوابط مناسب‌سازی در دستور کار همه ارگان‌های مربوطه قرار دارد و با همکاری سازمان نظام مهندسی این موضوع در هنگام ساخت‌وسازها نیز لحاظ



می‌شود.» به گزارش خبرنگار همشهری محله، مهندس «جواد کریمیان اقبال» گفت: «این موضوع مورد توجه قرار گرفته تا با همکاری سازمان نظام مهندسی رعایت ضوابط مناسب‌سازی هنگام ساخت‌وسازها به‌عنوان یکی از فاکتورهای مهم در نظر گرفته شود.»



## مهمانی همشهری محله در آغاز سال نو با حضور بازیگران مجموعه تلویزیونی آوای باران و تعدادی از کودکان کار منطقه

# تو بخندی همه چیز خوبه، بخند!

عطیه اکبری

ماجرای دیروز و امروز نیست، خیلی وقت بود که کم و بیش با دفتر همشهری محله تماس می‌گرفتند و از حضور کودکان کار در چهارراه‌های منطقه گلایه می‌کردند، اما از زمانی که سریال آوای باران در ماه‌های پایانی سال گذشته از تلویزیون پخش شد تماس‌های با دفتر همشهری محله بیشتر شد و حتی بعضی‌ها از ما کسب تکلیف می‌کردند که بالاخره به این بچه‌ها کمک کنند یا نه؟ انگار دلشان می‌خواست به نوعی این بچه‌ها را شاد کنند، اما نه اینکه پولشان سرازیر جیب افرادی چون شکیب شود تا کودکان بیشتری را به کار بگیرند. همین تماس‌ها باعث شد تا تصمیم بگیریم مهمانی کوچکی را با حضور دو بازیگر اصلی این سریال یعنی باران (آزاده زارعی) و کیانوش (مهران رنجبر) و با تعدادی از کودکان کار ترتیب دهیم. شاید باورتان نشود وقتی نام کودکان کار به میان آمد، باران و کیانوش آوای باران با روی باز دعوت ما را برای حضور در این مهمانی کوچک پذیرفتند. البته جمع‌آوری این کودکان از سر چهارراه‌ها کار راحتی نبود اما در تلاش برای یافتن این کودکان بودیم که متوجه شدیم در دل محله فرزند ساختمان کوچکی در قالب یک نهاد مردمی برای کودکان کار منطقه و بهبود شرایط زندگی آنها تلاش می‌کند. انگار همه چیز دست به دست هم داد تا خنده را به لب این کودکان معصوم بپوشانیم. ساعت ۱۱ صبح بود که با تلاش اعضای تحریریه همه مقدمات برای برگزاری یک مهمانی کوچک در حیاط ساختمان نشریه فراهم شد.

### جلوی چشم مردم بچه‌ها را کتک می‌زد

مهران رنجبر بازیگر نقش کیانوش نخستین مهمان برنامه است که با تمام درگیری‌های کاری خودش را قبل از بچه‌ها به دفتر نشریه می‌رساند. اصلاً فکرش را نمی‌کردیم که بازیگر نقش کیانوش قبل از ورود به فیلم آوای باران چند مستند در خصوص کودکان کار ساخته است. او می‌گوید: «باید با آنها زندگی کرد تا دردهایشان را فهمید، چون زندگی این کودکان درگیر معضلاتی است که اگر در بطن زندگی آنها قرار بگیری می‌توانی آن را بفهمی.» کودکان کار مهمان برنامه ما که همگی از بچه‌های تحت پوشش مؤسسه مردمی رویش نهال هستند هنوز نرسیده‌اند، به همین دلیل هم فرصت برای گفت‌وگو بیشتر با بازیگر نقش کیانوش فراهم می‌شود. او می‌گوید: «چند سال قبل زمان رانندگی در یکی از بزرگراه‌های تهران ناخودآگاه متوجه صحنه دلخراشی شدم. در شمشادهای وسط بزرگراه مرد ۴۰ ساله‌ای دو دختر ۱۰ ساله را جلوی چشم مردم به باد کتک گرفته بود. این صحنه آنقدر برایم تلخ بود که با عصبانیت از ماشین پیاده شدم. مرد ضارب با دیدن من پا به فرار گذاشت. بعد از پرس‌وجو از دو دختر معصوم متوجه شدم که آن دو دختر جزو کودکان کار بودند و سردهشته‌شان آنها را مجبور به جابه‌جا کردن مواد و رساندن آن به دست معنادان کرده بود. آن دو طفل معصوم هم به دلیل مقاومت در برابر او حسابی کتک خورده بودند. از همان زمان بود که دغدغه و فکر کودکان کار یک لحظه هم از ذهنم بیرون نرفت و چند وقت بعد مستندی را در خصوص کودکان کار ساختم. این روزها هم در حال گرفتن مجوز و آماده کردن مقدمات برای ساخت یک مستند اجتماعی دیگر در خصوص کودکان کار و معضلات اجتماعی دیگر هستیم.»

### خودمان را جای آنها بگذاریم

هنوز گرم صحبت با مهران رنجبر هستیم که آزاده زارعی بازیگر نقش آوای باران هم به جمع ما اضافه می‌شود و بعد از چند دقیقه بچه‌ها که مهمانان اصلی برنامه‌مان هستند از راه می‌رسند. کودکان کار که تعدادشان به ۲۰ نفر می‌رسد با دیدن کیانوش و باران سریال آوای باران حسابی شوکه می‌شوند و گل از گلشان می‌شکند. آزاده

زارعی هم به جمع آنها می‌رود و به دلیل بازی در سریال آوای باران و قرار گرفتن در موقعیت‌هایی که این کودکان در آن کار و زندگی می‌کنند احساس صمیمیت خاصی با آنها می‌کند. بچه‌ها هم انگار او را از خودشان می‌دانند. زارعی دختر کوچکی را بغل می‌گیرد چند سالتنه؟ دختر کوچک نگاهی پر از حسرت به او می‌اندازد و می‌گوید: «۵ سالمه.»

سر چهارراه‌چی می‌فروشی؟  
«فال. بعضی وقت‌ها هم گل.»  
خونتون کجاست: «فرحزاد.»  
دوست‌داری وقتی بزرگ شدی چه کاره شوی:  
«دوست دارم درس بخوانم. دکتر بشم و آنقدر پول در بیارم که خواهر و برادرهایم دیگه مجبور نباشند سر چهارراه به مردم گل یا فال بفروشند.»  
این آرزوی او اشک را از چشمان آزاده زارعی سرازیر می‌کند. نمی‌توانید باور کنید دختر ۵ ساله‌ای که باید همه دنیايش عروسک‌ها و اسباب‌بازی‌هایش باشد در هوای بارانی و آفتابی نگاه ملتسانه خود را به چشمان راننده‌های بی‌تفاوت بیندازد تا شاید از

